

چشم روشنی تولد با آزادی زندانی



عکس: ناصر حسینی/خبرنگار



روزنامه نگار ملیحه جهانپخش



صحبت از زندان که به میان می آید نخستین تصویر میله‌های زندان است و دست هایی که به آن گره خورده اند به امید رهایی، پس از آن از دست دادن همه فرصت هایی که یک نفر می تواند برای آینده و زندگی اش برنامه ریزی کند، همچنین، از دست دادن همه دقایقی که می تواند در کنار خانواده اش باشد و این موضوع زمانی دردناک تر می شود که فرد زندانی یکی از والدین است که به دلیل جرائم غیر عمد به جای اینکه در کانون خانواده در کنار فرزندان باشد، پشت میله های زندان چشم به راه کمک، همراهی یا همدلی کسانی است که می توانند با جمع آوری کمک های نقدی زمینه ساز آزادی هم وطنشان باشند. این بار در پویش «هدیه ماندگار» کسانی در حوالی مازندگی می کنند که حاضرند به جای برگزاری مراسم جشن تولد، هدیه برای تولد نوه، برگزاری مراسم جشن عروسی و... هزینه اش را برای آزادی یک زندانی غیر عمد هدیه کنند. پویشی که ستاد دیه خراسان رضوی در حال اجرای آن است.

«هدیه ماندگار»: پویشی متفاوت برای خیران

در روزهایی که ویروس کرونا بر سر کشورمان سایه گسترانیده بود، شاهد از دست دادن عزیزانمان بودیم. آن موقع به دلیل رعایت شیوه نامه های بهداشتی امکان برگزاری مراسم و مجالس ترحیم برای بسیاری از افراد فراهم نبود. در آن روزها بود که ستاد دیه خراسان رضوی با اجرای طرح «خیر ماندگار» برای تسکین قلب افراد مصیبت دیده قدم بسیار تاثیرگذار و ماندگاری برداشت. جواد غفاریان طوسی، مدیر ستاد مردمی دیه استان خراسان رضوی، بایان اینکه پویش «خیر ماندگار» از اردیبهشت ۱۴۰۰ اجرا شد و تاکنون ۲۵۲ خانواده در این طرح مشارکت

کردند. درباره ایده اجرایی طرح «هدیه ماندگار» که به تازگی در حال اجراست، می گوید: در دوره کرونا زن و شوهر جوانی بخشی از هزینه های مراسم ازدواجشان را به دلیل برگزاری نشدن مراسم در آن روزها، به ستاد دیه هدیه کردند که این موضوع نیز می توانست برای ما تأمل برانگیز باشد. پس از آن، یک خانم به ستاد دیه مراجعه کرد و هزینه های مراسم تولدش را به آزادی



یک زندانی غیر عمد اختصاص داد. همه این موارد ما را به ایده یک پویش شاد رساند. او ادامه می دهد: پویش «هدیه ماندگار» فرصتی است که هم وطنان در رویدادهای شاد زندگی شان مانند تولد خود، تولد فرزند یا نوه، جشن عروسی یا هر اتفاق شادی بخش زندگی شان به جای صرف هزینه هایی که ممکن است ماندگاری را به دنبال نداشته باشد، آن را صرف آزادی یک زندانی کنند. موضوعی

که به تازگی توسط دو خیر در مشهد اتفاق افتاد و شروع بسیار خوبی برای این حرکت ارزشمند خواهد بود. غفاریان طوسی درباره آشنایی مردم با این طرح می گوید: مبلغ ما برای اطلاع رسانی این طرح، خود مردم هستند. آن ها بعد از اینکه زمینه آزادی یک زندانی غیر عمد را مهیا می کنند، حال خوششان را به اشتراک می گذارند. در واقع تبلیغ چهره به چهره انجام می شود. از طرفی، ما هم از طریق بنرهایی که بعد از مشارکت در این طرح به آن ها تقدیم می کنیم یا از طریق کانال ها و رسانه ها، دیگران را با این طرح آشنا می کنیم.

جشن تولد؛ فرصت طلایی برای تقسیم شادی



کرده است. می گوید: پدر خانواده ای بود که از سال ۱۳۹۴ به دلیل بدهی ۲۵۴ میلیون تومانی در زندان به سر می برد. مبلغ جمع شده بود و فقط مقداری از آن باقی مانده بود که اگر پرداخت می شد، ۷۲ ساعت بعد می توانست آزاد شود و در کنار همسر و دو فرزندش باشد. تصمیمم را گرفتم و با اخوادم

وضع مالی معمولی دارم، باخوادم گفتم کار می کنم و دوباره این مبلغ به زندگی ام برمی گردد و مبلغ باقی مانده را پرداخت کردم. درباره حس و حالش می پرسم که می گوید: ساعت ها بغض داشتم، نه بغضی که از سر غم باشد، بلکه بغضی که با خدا درددل می کردم و معامله ای کرده بودم که فقط خودش می دانست.

از او می پرسم آیا دوستان و خانواده ... درباره اینکه چرا تولد و مهمانی نگر فتید، شکایتی نداشتند، می گوید: به همه گفتم این حس مراسم و جشن تولد و مهمانی ... به چشم نمی آید. در فضای مجازی این موضوع را منتشر کردم و اتفاقا خیلی ها درباره اش سؤال کردند که برای روز تولدشان تجربه اش کنند.

مزروعی به تولد فرزندش که شهریور است، اشاره می کند و می گوید: خیلی دوست دارم برای تولد

آزاده مزروعی خانمی جوان است که بسیار با انرژی و شاد صحبتش را شروع می کند. او خیر دیگری است که در طرح «هدیه ماندگار» ستاد دیه استان مشارکت کرده است. آزاده هزینه های تولدش را صرف آزادی یک زندانی کرده است. ماجرا را با ایمان این گونه تعریف می کند. مشکلی داشتم. گریه در کارم افتاده بود که پیش خودم و خدایم نیت کردم اگر گره از کارم باز شود و از آن مشکل رها شوم، به اندازه توان مالی ام برای آزادی یک زندانی مشارکت کنم. به روز تولدم که رسیدم، سه برنامه ریزی متفاوت داشتم، اول خون اهدا کردم، بعد درخت کاشتم و آخر هم که برایم از همه مهم تر بود، شب تولدم به ستاد دیه رفتم تا موضوع رهایی

یک زندانی را پیگیری کنم. به زندان که رسیدم، نگهبانی گفت فردا صبح برای این موضوع باید مراجعه کنم. به اتفاق خانواده با مادر و خواهرم فردا صبح رفتم. مادر و خواهرم وقتی وارد مجموعه شدیم، انگار دلشان متقلب شده باشد، گفتند ما هم تصمیم گرفتیم کمک کنیم. یک فهرست را مقابل ما گذاشتند و من شرایط زندانیان غیر عمد را خواندم.

مزروعی درباره وضعیت فردی که برای آزادی اش مبلغی را اهدا



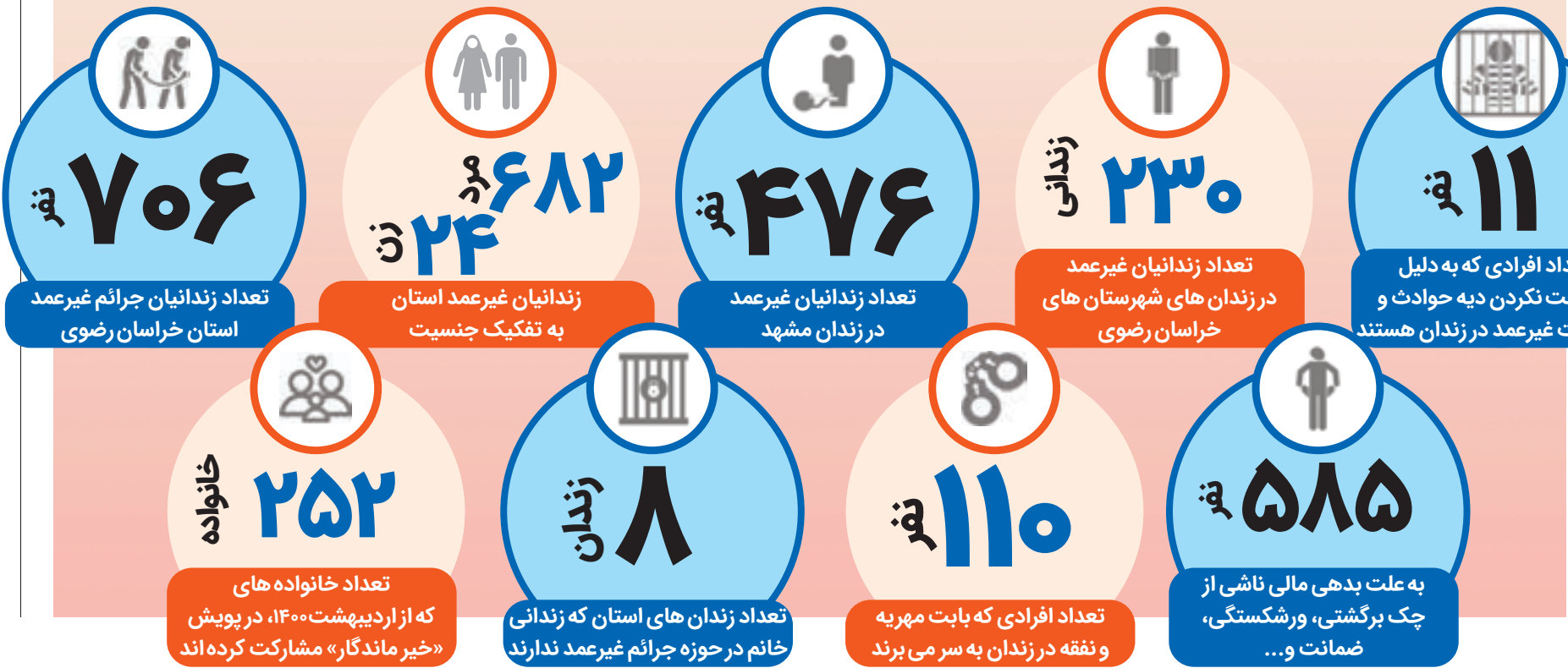
بود که تصمیم گرفتم برای نوه دوم هم همین کار را انجام بدهم. حتی همسر هم با اینکه خبر نداشت، وقتی شنید، بی نهایت از این اتفاق خوش حال شد. دهقان دهنوی درباره حس و حال خانواده واقوام هم که این موضوع را شنیده اند، می گوید: برای همه انگیزه ایجاد شده است که هزینه های هر مراسمی را که پیش رو دارند، در این زمینه اهدا کنند. حتی من به بقیه هم توصیه کردم که در مراسم ختم و ترحیم هم به جای گرفتن دسته گل و صرف هزینه های سرسام آور، همان را می شود برای آزادی یک زندانی غیر عمد و برگرداندنش به آغوش خانواده هدیه کرد.

بایکی از خیران تماس می گیرم. مردی میان سال است که وقتی موضوع گفت و گو را با او در میان می گذارم، با روی خوش برخورد می کند و می گوید: برخی می گویند نباید ریا کرد و گفت، اما من در این باره اعتقاد دارم که باید زیاد صحبت کنیم و به همه بگوییم. این موضوع باعث ترویج و تشویق به این کار می شود. خودش را حسن دهقان دهنوی معرفی می کند که برای روز تولد اولین نوه اش به جای اینکه مراسم باشکوه بگیرد، به ستاد دیه رفته و گفته است که به یمن تولد نوه اولم، نیت کرده ام یک زندانی غیر عمد را به آغوش خانواده اش برگردانم.

می گوید: اصلا دنبال دیدن پرونده خاصی هم نرفتم. فقط گفتم هر کسی که در اولویت آزادی است و مبلغی جمع شده است که برای بقیه اش هنوز منتظر مانده است، همان را می پردازم.

از آقای دهقان دهنوی می پرسم معمولا چشم روشنی سکه، طلا یا هدیه دیگری می دهند، خانواده و دختران ناراحت نشدند که چرا هدیه ای نخریدید، می گوید: دخترم وقتی به هوش آمد، برگه اهدای مبلغ برای آزادی زندانی را بالای سرش گذاشتم و تادید، از خوش حالی گریه اش گرفت. خودش هم پای تلفن برای دقایقی بغضش می ترکد و فقط صدای حق هق گریه اش را می شنوم. ادامه می دهد: دخترم گفت بابا دنیا را به من دادی. بهترین هدیه ای که می توانست چشم روشنی فرزندم باشد، همین کار خوب شما بود. این خیر با اشاره به اینکه فقط دو فرزند دارد و نوه دوم هم از دختر دیگرش به زودی متولد می شود، می گوید: به اندازه ای این حس برایم بی نظیر

زندانیان غیرعمد به روایت آمار



سفر ابدی باشد کردن دل دانش آموزان



چقدر تا امروز غصه خورده ایم بابت اسراف در زمینه زحمت و هزینه دسته گل و تاج گل برای مراسم های عزاء و عروسی؟ گل طبیعی زیبا و چشم نواز است، اما هزینه های گزاف برای تهیه تاج گل های بزرگ و تجملاتی، طبیعتا اسراف محسوب می شود و هیچ سود معنوی و اخروی و حتی مادی برای میزبان ندارد. یک خانواده دغدغه مند شیرازی برای حمایت از دانش آموزان نیازمند و شاد کردن دل آن ها، از مهمانان مراسم ترحیم پدرشان خواستند که به جای خرید دسته گل و زدن بنر تسلیت، برای دانش آموزان بی بضاعت شیرازی کیف مدرسه تهیه کنند. چه بسا همین عمل پسندیده و خدمت به مردم، توشه آخرت پدر را تکمیل کند و او را از سختی های حساب و کتاب آن دنیا نجات دهد. خدایش بیامزد و هم نشین امام رضا (ع) قرار دهد.



با همان تنهاییان

در یک خانه با هم زندگی می کنند، سر یک سفره می نشینند، در یک مجموعه مسکونی قرار دارند، شاید بسیاری از روزها یک مسیر را نیز با هم طی کنند، اما هر یک دنیایی مستقل برای خودشان دارند که دیگری از آن بی خبر است یا به آن راهی ندارد. این شاید به گونه ای همان «تنه شدن» در کنار ساحل دریا باشد. حکایت انسان هایی که فقط در کنار هم یک جمع جبری هستند و هیچ گاه یک اجتماع دل سوز، هم گرا، متحد و یارو نیستند. گویی



روزنامه نگار ملیحه جهانپخش

مردمانی کروکوردند که مشکلات هم رانمی بینند و دردها و ناله های یکدیگر را نمی شنوند. اما همین جماعت کروکور «لال» نیستند و هزارچندگاهی یکدیگر را با زبان بُرنده بسان شمشیر تکه پاره می کنند و نمک بر زخم هم می پاشند. این گونه است که زندگی سخت تر و تنگ تر می شود و عرصه و مجالی برای همدلی، مهربانی و هم زبانی باقی نمی ماند. به راستی دنیا به کدام سمت می رود وقتی فردی نتواند از پدر، مادر، خواهر، برادر، فامیل، دوست یا همسایه کمک بگیرد و مشکلاتش را با آن ها در میان بگذارد؟ مگر می شود کنار هم زندگی کنیم، ولی روح ما از هم جدا باشد و از حال روز هم بی خبر باشیم؟ گاهی یک تماس عادی و ساده می تواند غمی را از دل عزیزی بردارد، امیدش را افزایش دهد و حالش را بهتر کند.

بذر محبت، میوه مهربانی

آدمی یک باره به خودش می آید و می بیند در میان کوه مشکل ها و سیل غم ها تنها و غریب است، نه یابوری، نه همراهی، نه همدلی و نه کسی که حتی بتواند با او هم زبانی کند. نه از کسی خبر دارد و نه کسی از او خبر دارد. تخت گاز در جاده زندگی می تازد و شاید خیلی هم نمی داند یا فراموش کرده است مقصد کجاست و برای چه هدفی تلاش می کند و چه مسئولیت هایی نسبت به اطرافیان و وابستگانش دارد. اینجاست که باید از خود پرسیم ما چه بذر محبتی را کاشته ایم که امروز بتوانیم «میوه مهربانی» آن را بچینیم. سهم مادر بهتر کردن زندگی و دنیای امروز چیست و چقدر است؟ من برای اینکه دنیا قشنگ تر و بهتر شود، چه تکلیف ها و مسئولیت هایی برعهده دارم؟ باور کنید در برخی موارد اشکال از خود ماست! شاید آنجا که من وظیفه ای نسبت به دیگران داشتم، اما در انجام آن کوتاهی یا کاهلی کرده ام که امروز اطراف و اکناف من خالی از مهربانی و آدم هایی است که قلبشان برای من می تپد. هر کدام از ما مسئولیت داریم کمک کنیم تا دنیا جایی بهتر برای زندگی باشد، پس بایبید سهم خود را از این مسئولیت برداریم و اثری ماندگار از خود به جا بگذاریم. این امر یک ذهن و روان سالم و رفتاری هنرمندانه و آگاهانه را که به امور اطرافش حساس است، مطالعه می کند.

دست خدا بر سر جماعت است

تنهایی سرنوشت محتوم انسان امروزی نیست، یعنی نباید باشد. ما جمعی متولد شدیم و خیر و شر ما به هم گره خورده است. باید از پبله های شخصی خود خارج شویم. دور یکدیگر را بگیریم، رسم مهربانی را به جا بیاوریم و شریک و همراه مسائل، مشکلات، چالش ها، شادی ها و غم های زندگی یکدیگر باشیم. دست خدا بر سر جماعت است. در حدیثی از پیامبر اعظم (ص) نقل است که می فرمایند: «دست خدا بر سر جماعت است، هرگاه فردی از جماعت جدا شود شیطان او را می رباید، همچنان که گرگ گوسفند جدا نموده از گله را، پس بداندید و آگاه باشید و بر یاری رساندن به یکدیگر در خوبی ها از هم سبقت بگیرید که هیچ چیز در دنیا و الاثر از «مهربانی به یکدیگر» نیست. این ها شاید به ظاهر مفاهیمی ساده و در دسترس باشند، ولی در واقعیت جامعه امروزی مقولاتی پیچیده و تأمل برانگیز هستند که شاید تحقق آن ها به این سادگی نباشد. شب را با آرامش و شکم سیر بخوابیم ولی همسایه ما گرسنه باشد، چندین واحد و منزل خالی داشته باشیم ولی خواهر یا برادر ما در به در اجاره نشینی یا اسیر هزینه های سنگین آن باشد و... رسم آدمیت تشکیل جماعتی همدل و همراه است که در غم و شادی شریک هم هستند، به یکدیگر محبت می کنند و به هم یاری می رسانند.